

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Conceptual Framework of Civic Landscape
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تبیین چارچوب مفهومی منظر مدنی*

ندا عرب سلگار^۱، نادیه ایمانی^{۲**}

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۲۸ تاریخ اصلاح: ۹۸/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۸ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۷/۰۱

چکیده

بیان مسئله: پژوهش حاضر برای پاسخ به چگونگی تحقق مفهوم منظر مدنی صورت گرفته است. منظر مدنی نگرش‌های دموکراتیک را به عرصه طراحی و برنامه‌ریزی منظر شهری وارد کرده است. مدنیت، به‌مثابه گفتمان سیاسی-اجتماعی، شیوه ایجاد فضای مشترک میان افراد به منظور برقراری ارتباط بر بنیان تفاوت‌ها و اختلاف‌هاست. منظر نیز به عنوان یک ماهیت میان‌رشته‌ای، به‌طور ذاتی وسعت و محدودیت‌های عدالت اجتماعی در فضا را نشان می‌دهد. لذا تبیین مفهوم منظر مدنی نه به معنای ارائه یک تعریف قطعی و تعیین‌کننده، بلکه جستجوی عواملی است که بر چگونگی امکان تحقق مفهوم مدنیت در فضا به‌طور عام و منظر به‌طور خاص دلالت می‌کنند.

هدف پژوهش: تبیین چارچوبی مفهومی از منظر مدنی براساس ایده‌ها و مفاهیم بروز مدنیت در معماری منظر، هدف این پژوهش است. از این‌رو ابتدا چستی نسبت فضا و ابعاد جامعه مدنی، و سپس فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که در فرایند برنامه‌ریزی فضا امکان تقویت یا تضعیف گفتمان سیاسی-اجتماعی را موجب می‌شود؛ تحلیل شده است. در مرحله بعد، با این پرسش که چگونه فعالیت‌های دموکراتیک و مردمی در کنار دانش تخصصی برای برنامه‌ریزی‌های زیست‌محیطی ضرورت دارد؛ جایگاه جامعه در فرایند طراحی منظر مورد پرسش قرار گرفته است. در نهایت با الهام از سه رکن جامعه مدنی، ابعاد منظر مدنی تبیین شده است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر، از نوع توصیفی-تحلیلی است و در جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. با استفاده از روش تحلیل محتوا، مفاهیم اصلی پژوهش دسته‌بندی شده و با مفاهیم منظر تطبیق یافته است.

نتیجه‌گیری: با الهام از سه بعد جامعه مدنی (افکار عمومی، نهاد، جنبش) منظر مدنی به سه ویژگی قابل تطبیق با اصول مدنیت به ترتیب هدف، ساختار و مفهوم تقسیم شده است. با این دیدگاه هدف از منظر مدنی، فعل مدنیت، ساختار، ساخت اجتماعی و معنا، دغدغه‌ها و ایده‌آل‌های مفهومی جامعه مدنی است.

واژگان کلیدی: منظر مدنی، جامعه مدنی، گفتمان سیاسی-اجتماعی، فضای عمومی، سیاست‌های دموکراتیک سبز.

مقدمه

که به چگونگی تأثیر جامعه مدنی و اهداف آرمانی آن بر فرایند تولید و عملکرد فضاهای شهری می‌پردازد. برای درک چگونگی و چرایی اضافه‌شدن بار مدنیت به منظر، ابتدا به بررسی مفهوم فضای مدنی پرداخته شد. فضای مدنی، فضایی است که در فرایند تعامل سطح اجتماعی با سیاسی به‌واسطه فعل مشارکت مردمی شکل می‌گیرد. مفهوم حق به شهر، با دور کردن حق مشارکت شهری و

مفهوم منظر مدنی یک پارادایم جدید در طراحی و برنامه‌ریزی منظر شهری است.^۱ این مفهوم یک موضوع میان‌رشته‌ای است

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «ندا عرب سلگار» با عنوان «تبیین درجات تحقق و شکل‌گیری منظر مدنی» است که به راهنمایی دکتر «نادیه ایمانی» در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه هنر ارائه شده است.

** نویسنده مسئول: imani@art.ac.ir ، ۰۹۱۲۳۵۴۲۳۱۰

دوم انعکاس در فعل جامعه مدنی است. به عبارتی دموکراسی نه تنها به فضاهای فیزیکی برای تحقق نیاز دارد، بلکه تنها نوع مشخصی از چیدمان فضایی این هدف را برآورده می‌کند. «جان پارکینسون»^۲ در کتاب «دموکراسی و فضای عمومی» (Parkinson, 2012)، بر ضرورت وجود فضای فیزیکی برای تحقق دموکراسی اشاره می‌کند. گروه دوم مطالعات علوم اجتماعی-شهری چگونگی کنترل و تعریف فضای عمومی که نمایش‌دهنده و برآیند معنی‌داری از عملکرد دموکراسی در یک شهر است را با معیار «تولید اجتماعی فضا» تحلیل می‌کنند. «دان میچل»^۳ در مجموعه پژوهش‌های خود (Mitchell, 1995; 2003a; 2003b; Mitchell & Staeheli, 2006) از مرگ فضای عمومی صحبت می‌کند و دو دیدگاه فعالان اجتماعی و جامعه آکادمیک در تولید فضای عمومی واقعی و فضای عمومی کاذب را ارائه می‌دهد. مفهوم حق به شهر و تولید اجتماعی فضا در مجموعه پژوهش‌های «هانری لوفور»^۴ (Lefebvre, 1991) و پژوهشگران پیرو نظرات وی معیارهایی همچون حق مشارکت، حق تخصیص، حق دسترسی، حق تصرف و استفاده از فضا را به عنوان معیار ارزیابی پروژه‌های شهری در تطبیق با دیدگاه‌های مدنیت مطرح می‌شود.

در گروه سوم مطالعات، به بررسی نسبت مدنیت در طراحی منظر پرداخته شده است. «گالن کرنز»^۵ (Cranz, 1982; Cranz & Boland, 2004) در کتاب «سیاست‌های طراحی پارک» به چهارگونه پارک‌های شهری قابل شناسایی در تاریخ منظر آمریکا شامل «زمین‌های لذت»^۶ (۱۸۵۰-۱۹۰۰ م)، «پارک اصلاحات»^۷ (۱۹۰۰-۱۹۳۰ م)، «تسهیلات تفریحی»^۸ (۱۹۳۰-۱۹۶۵ م)، و «سیستم فضای باز»^۹ (۱۹۶۵-؟) اشاره می‌کند. هر کدام از این گونه پارک‌های شهری بنابر نیازهای اجتماعی غالب زمان طراحی شده‌اند و ایده‌های متعددی در ارتباط با طبیعت ارائه می‌دهند. «لارا لوسون»^{۱۰} در کتاب «شهر بخشنده» (Lawson, 2005)، اشاره می‌کند که از دهه ۱۹۸۵ تأمین مکانی برای باغبانی مردم یک استراتژی ابداعی با هدف بهبود شرایط شهری مردم آمریکا بوده است. مهمترین آن تحت عنوان «باغ‌های اجتماعی» به فضاهای سبزی اطلاق می‌شود که علاوه بر دسترسی تمام افراد در کل ساعات شبانه‌روز، به‌طور جمعی مدیریت می‌شود و در آن موانع رسمی برای مشارکت توسط عموم مردم صفر تا ناچیز است. مقالات متعددی در ارتباط با اثرات فضیلت‌های مدنی این باغ‌های اجتماعی نگارش شده است. مشارکت مدنی در حوزه‌های مرتبط با طبیعت در رویکردهایی همچون کشاورزی مدنی، اکولوژی مدنی، محیط زیست مدنی و اکولوژی دموکراتیک وارد شده که با بهره‌گیری از اصول دموکراتیک به دنبال ایجاد یک جامعه پایدار برای نسل‌های آینده هستند. در تصویر ۱، روند مطالعاتی و پرسش‌های تحقیق ترسیم شده است.

نسبت جامعه مدنی و فضا

مفهوم جامعه مدنی را می‌توان با سه دیدگاه فلسفی، حقوقی و

حق تخصیص فضا مستخرج از رابطه مفهومی مدنیت و فضا و ارزیابی تحقق این مفاهیم و یا انکار آن در فضای تولیدشده، دیدگاه جامعه طراحی در پذیرش آن را نشان می‌دهد. در مرحله دوم از تبیین منظر مدنی، به بررسی جایگاه جامعه مدنی در دیدگاه‌های حرفه‌ای طراحی منظر پرداخته شده است. «سیاست‌های سبز» به عنوان یک مفهوم کلی از اقدامات دموکراتیک در ارتباط با مسائل فضاهای سبز ادعا می‌کند که تصمیم‌گیری برای تعیین و تنظیم یک متابولیسیم اجتماعی-محیطی هم به دانش متخصصین و هم قضاوت‌های جمعی نیاز دارد. جنبش‌های محیط زیست مدنی و اکولوژی مدنی با کمک از ائتلاف‌های مردمی خودجوش با ابزار مشارکت مردمی و برنامه‌ریزی اجتماعی به حل مسائل زیست‌محیطی می‌پردازند، اما شخصیت منظر نه فقط در مفهوم فرایندهای طبیعی، بلکه در معنای رابطه متقابل بین جامعه و محیط پیرامونش تعریف می‌شود. به عبارتی منظر هر دو بعد «طبیعت» و «فرهنگ» را شامل می‌شود که در اصل بعد فرهنگ بسیار مهم، پیچیده و چندلایه است. لذا برای تبیین مفهوم منظر مدنی، نیاز به بررسی نسبت جامعه مدنی با فضا در مفهوم عام، و سپس منظر در نگاه خاص بوده است و هدف اصلی این پژوهش بیان ایده‌ها و مفاهیمی است که نسبت جامعه مدنی را با فضا و منظر بیان می‌کند.

پیشینه پژوهش

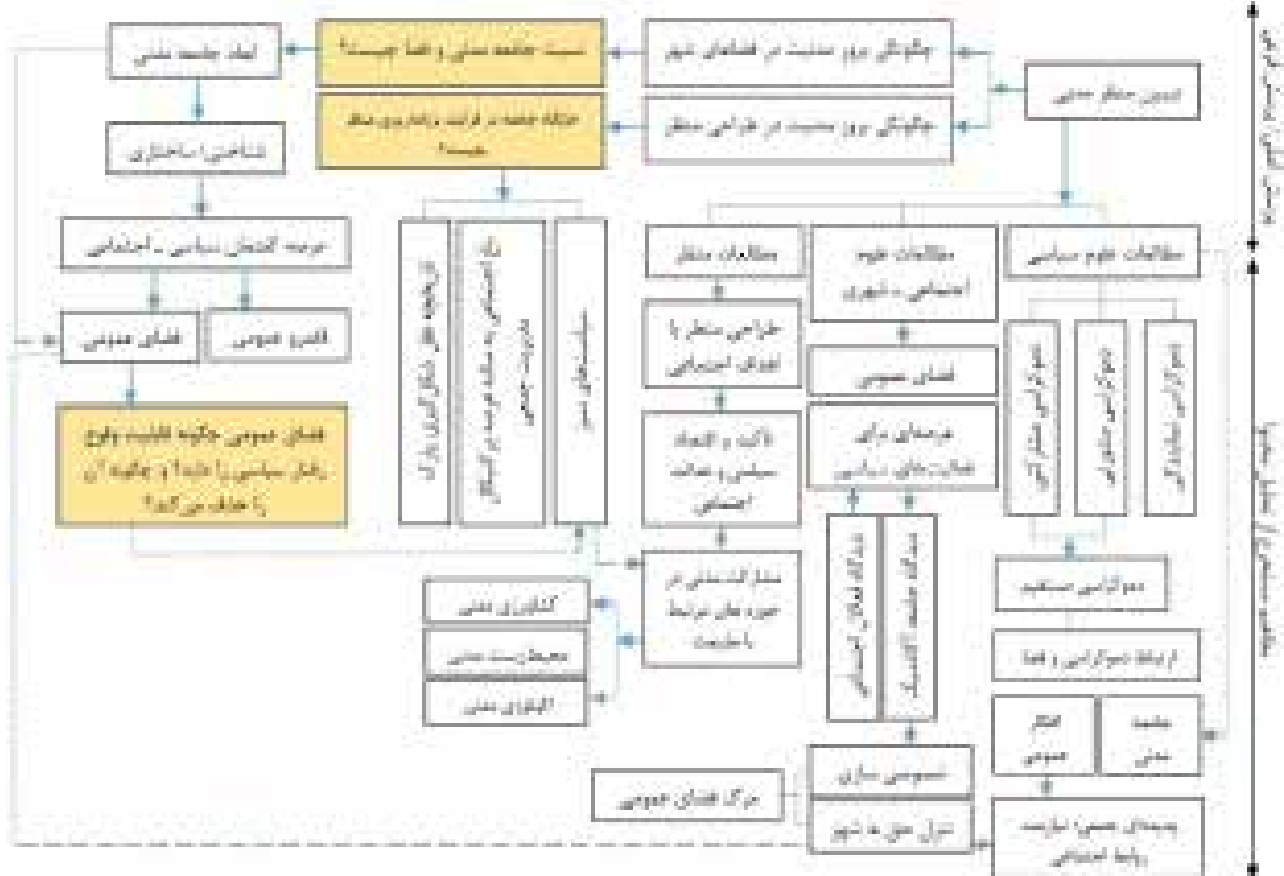
مطالعات معماری منظر از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، چرخش اجتماعی داشت و موضوعات جدیدی از جمله عدالت و دموکراسی در منظر را مطرح کرد. از جمله مطالعات در این زمینه می‌توان به «عدالت، قدرت و منظر سیاسی» (Mitchell, 2003a; Olwig, 2005)، «حق به منظر: منظر مجادله‌ای و حقوق انسانی» (Egoz, Makhzoumi & Pungetti, 2011)، و کنفرانس بین‌المللی با عنوان «تعریف منظر دموکراسی» در سال ۲۰۱۵ در نروژ (Jorgensen, 2016; Mels, 2016) اشاره کرد. در این پژوهش برای پاسخ به چگونگی اضافه‌شدن مفهوم مدنیت به منظر نیازمند بررسی سه گروه از مطالعات بوده است:

گروه اول، مطالعات علوم سیاسی با هدف بررسی نسبت جامعه مدنی با فضا برای تحقق گفتمان سیاسی-اجتماعی است. «ژودیت لازار»^{۱۱} در کتاب «افکار عمومی»، طرز تشکیل ساختار و مکانیسم‌های افکار عمومی به عنوان بُعد مهمی از جامعه مدنی در یک پیشرفت تدریجی از دوران یونانیان تا نخستین بیانیه‌های مطبوعاتی ارائه داده است (لازار، ۱۳۹۵). در مطالعات علوم سیاسی مدنیت حوزه‌ای از زندگی اجتماعی تعریف می‌شود که در آن جنبش‌های مردمی و نهادهای غیردولتی با هدف اثرپذیری سطح حاکمیتی از اندیشه و فلسفه سطح اجتماعی شکل می‌گیرند. در این نگاه به جامعه مدنی، مفهوم دموکراسی مشارکتی به عنوان گونه‌ای چرخش استدلالی، گفتمانی و شورایی، با مفهوم ائتلاف گفتمانی (Hajer, 1993, 43) وارد می‌شود. ائتلاف گفتمانی اول نیازمند غلبه بر فضای گفتمان و

جامعه‌شناختی بررسی کرد. در معنای عام این مفهوم به مدنیت و تمدن برمی‌گردد. مدنیت، شیوه ارتباط گرفتن و عمل کردن با دیگری متفاوت از خود بر مبنای منفعت و مصلحتی است که در عین شخصی بودن؛ مشترک و عمومی نیز هست (قاضی مرادی، ۱۳۹۱، ۱۴). در حال حاضر جامعه مدنی در غرب، با چهار رویکرد «لیبرال، جمع‌گرایانه، جمهوری خواهانه و گفت‌وگویی»^{۱۲}، و در ایران با دو رویکرد «جامعه مدنی لیبرال» و «جامعه مدنی دینی» شناخته می‌شود. تکامل گفتمان جامعه مدنی ایران با دو اتفاق مهم در زندگی سیاسی جمهوری اسلامی مطابقت دارد. پایان جنگ هشت‌ساله ایران با عراق در سال ۱۳۶۷ و انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ که بحث در مورد جامعه مدنی را از محافل کوچک به جایگاه‌های سیاسی بین‌المللی منتقل کرد. جدا از شرایط ساختاری که در سطح حاکمیتی اتفاق می‌افتد؛ در هر دوران می‌توان در سطح اجتماعی، «افکار عمومی» و عوامل برانگیختگی و اجماع آن را در بعد «شناختی» و «تهادهای مدنی» و «جنبش‌های اجتماعی» را در بعد «ساختاری» جامعه مدنی دسته‌بندی کرد؛ که با توجه به شرایط ساختاری و سیاست‌های کارگزاران تقویت یا تضعیف می‌شوند. بعد «شناختی» (بعد مفهومی) جامعه مدنی؛ بعد ذهنی، سوق‌دهنده و ایجادکننده شرایط بوده و بعد «ساختاری» جنبه نسبتاً عینی و تسهیل‌کننده کنش مشترک

اجتماع‌های گوناگون برای رسیدن به فایده (منفعت) مشترک است (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷، ۲۱۴). ابعاد سه‌گانه جامعه مدنی در فضاهای متفاوت و بعضاً دارای وجوه اشتراک بروز می‌یابند. پرسش از نسبت ابعاد جامعه مدنی با فضا، در واقع به چگونگی تحقق گفتمان سیاسی-اجتماعی در فضا اشاره می‌کند. در مطالعات علوم سیاسی و اجتماعی-شهری از دو عرصه «قلمروی عمومی و فضای عمومی»^{۱۳} به عنوان دو عرصه مهم در گفتمان سیاسی-اجتماعی نام برده شده است. قلمروی عمومی به عنوان عرصه گفتمان سیاسی و اقدامات سیاسی بین دولت و جامعه (Habermas, 1991)، در سال‌های اخیر بیشتر در قالب فضای مجازی، دیجیتال و پراکنده در میلیاردها تلفن همراه و رایانه دیده شده است (Parkinson, 2012, 1). رسانه‌ها (صوتی-تصویری، مطبوعات) به‌علاوه شبکه‌های مجازی در نقش واسطه با عنوان «مدل‌های ارتباطی» (Miège, 2010, 91)، بناکننده قلمروی عمومی بوده‌اند که «افکار عمومی» در این قلمرو سازماندهی، ارائه و یا تصور می‌شود. اما این گفتمان سیاسی-اجتماعی پس از به‌کارگیری ابزارهای دیجیتال، فضای فیزیکی را تسخیر کرده و به اشتراک گذاشته است و بر سر کنترل فضای فیزیکی مجادله می‌کنند (Parkinson, 2012, 5).

شکل‌گیری و جهت‌دهی به «افکار عمومی» مبنای هر پدیده اجتماعی-سیاسی در روند فعالیت‌های مدنی است. آنچه در ارتباط



تصویر ۱. پرسش اصلی و فرعی پژوهش/ نکات کلیدی مستخرج از مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

مجرای ارتباطی، منبع تجارت و معیشت، محیطی برای تعاملات اجتماعی و عرصه‌ای برای فعالیت‌های سیاسی است. همچنین به عنوان بستری برای زندگی عمومی، قابلیت نمایش سلامت اقتصادی، سیاسی و فرهنگ جامعه را دارد (Pugalis, 2009, 281). «خصوصی‌سازی فضای عمومی»^{۱۷}، رویکردی است که منجر به محروم شدن افراد از دسترسی کامل و استفاده از فضای عمومی می‌شود. تا جایی که گروهی از پژوهشگران از آن با عنوان «مرگ فضای عمومی» نام می‌برند. وضع قوانین با هدف ایجاد امنیت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، موجب حذف گروه‌های مشخص افراد از این فضا می‌شوند. این اقدام نه‌فقط به طبقه مهاجر، کودکان، اقلیت‌ها، بی‌خانمان‌ها و جوانان مخالف با فرهنگ حاکم آسیب می‌رساند، بلکه مفهوم واقعی دموکراسی و ماهیت مدنیت را نیز تحریف می‌کند (Vander Ploeg, 2006, 5). از دیدگاه مدنیت، «فضای عمومی واقعی»^{۱۸} فضایی سیاسی است که در آن تعاملات بی‌واسطه تشویق شود، قدرت دولت در حاشیه قرار گیرد و سخنرانی و بیان نظرات آزاد باشد (Lynch & Dietz, 20, 1991). در این راستا دو دیدگاه «فعالان اجتماعی» و «جامعه آکادمیک» در ارتباط با نسبت فضای عمومی و فعل سیاسی در

جدول ۱ نمایش داده شده است.

دو دیدگاه فوق نسبت به فضاهای عمومی با تفکیک «هنری لوفور» از فضاهای بازنمایی^{۱۹} و بازنمایی فضا^{۲۰} قابلیت انطباق دارد. لوفور ادعا می‌کند: فضاهای عمومی غالباً به عنوان بازنمایی فضا تولید می‌شوند. زمانی که مردم از این فضا استفاده و آن‌ها را مناسب‌سازی کنند، تبدیل به فضاهای بازنمایی می‌شود. فضای بازنمایی به‌طور منفعلانه‌ای توسط کاربران در حال تجربه شدن است، در حالی که مردم فضاهای خود را تغییر می‌دهند و به‌طور استراتژیکی آن را مناسب‌سازی می‌کنند (Lefebvre, 1991, 39). از این‌رو خاستگاه هر فضای عمومی موقعیت آن را نسبت به عموم از طریق دو دیدگاه کاملاً مخالف تعریف می‌کند؛ از یک سمت کسانی که به دنبال نظم و کنترل این فضا هستند و از سوی دیگر کسانی که به دنبال مکانی برای فعالیت‌های سیاسی و تعاملات بی‌واسطه هستند (Mitchell, 1995, 130). مرگ فضای عمومی در متون تخصصی با تحلیل دو مفهوم زیر تعیین می‌شود:

- از دست رفتن عمومیت؛

- تنزل یافتن حق به شهر (Mitchell, 2003b).

مفهوم «حق به شهر» در چند دهه گذشته توجه بسیاری از نظریه‌پردازان شهری را به خود جلب کرده و در عرصه عمل نیز منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی متعدد و صدور منشورهای قانونی شده است. در گفتار لوفور، شهروند واژه‌ای است که به تمام ساکنان شهر اطلاق می‌شود و دو حق برای آنها در نظر می‌گیرد: «حق تخصیص فضا» و «حق مشارکت شهری». حق مشارکت برای ساکنان شهری این فرصت را فراهم می‌آورد تا در تصمیماتی که منجر به تولید فضای شهری می‌شوند، دخیل

با نسبت افکار عمومی و فضای فیزیکی در یک شهر اهمیت دارد، ویژگی ارتباطی و جمعی آن است که برای تحقق، به فضاهای جمعی نیازمند است. «آشکاربودن، آگاهانه‌بودن، برخورداری از وسعت کافی» سه ویژگی افکار عمومی است که بر کیفیت ارتباطی آن تأکید می‌کند (لازار، ۱۳۹۵، ۲۳). اگر افکار عمومی را به عنوان یک فرایند ارتباطی با مشخصه‌های جمعی^{۱۴} فرض کنیم؛ «تعاملی‌بودن، عدم کنترل و محدودیت در تولید و توزیع پیام» موجب شده که شبکه‌های اجتماعی در راستای هدایت افکار عمومی مرجعیت اصلی تری نسبت به رسانه‌های جمعی کلاسیک داشته باشند. جهت‌دهی به افکار عمومی در شبکه‌های اجتماعی در دو مرحله صورت می‌گیرد: در مرحله نخست، «شبکه‌سازی در فضای مجازی» و در مرحله بعدی، «مشارکت در فضای واقعی» (آقایی، صادقی و هادی، ۱۳۹۱، ۲). علاوه بر این، آنچه بر ضرورت وجود فضای فیزیکی در کنار فضای مجازی تأکید می‌کند، رکن دوم و سوم ابعاد جامعه مدنی است. جنبش‌های اجتماعی برای تحقق اهداف خود فضاهای عمومی را در شهر اشغال کرده، دوباره پیکربندی می‌کنند و بدون تولید و کنترل فضای فیزیکی این مهم غیرممکن است (Mitchell, 1995, 123). جنبش‌های اجتماعی (نهضت‌ها) را می‌توان به عنوان بستر ساز تحولات مهمی نام برد.^{۱۵} انقلاب ۱۳۵۷ در ایران را به عنوان یک مثال از جنبش مردمی طولانی می‌توان نام برد که در خیابان‌ها رخ داده و تمام مکان‌های رسمی، مقدس و حتی خصوصی، تبدیل به قلمروی عمومی برای بحث‌های سیاسی، سازماندهی، مقاومت و مشارکت شدند. تسخیر فضا، تغییر و مناسب‌سازی آن توسط عموم مردم، شاهدهی بر قدرت خارق‌العاده «جنبش‌های بی‌مکان»^{۱۶} برای ایجاد فضا با یک مسیر جدید و انقلابی معتبر است (Irazábal, 2008).

فضای عمومی، دومین عرصه مهم در شکل‌گیری گفتمان اجتماعی-سیاسی، پتانسیل ایجاد فرصت‌ها یا محدودیت‌هایی را برای اعمال سیاسی دارد. چگونگی تعریف و کنترل فضاهای عمومی در یک شهر، بر ایند معنی داری از عملکرد دموکراسی در آن شهر است (Vander Ploeg, 2006, 1). با توجه به دسته‌بندی دموکراسی‌ها به سوسیالیستی (خلقی)، نمایندگی و مشارکتی، جامعه مدنی با دموکراسی مشارکتی رابطه‌ای مثبت دارد. دموکراسی لزوماً به معنی جامعه مدنی نیست، اما جامعه مدنی برای وجود دموکراسی ضروری است (حریری اکبری، ۱۳۸۰، ۱۳۵-۱۳۶). فضای عمومی به‌مثابه بستری برای وقوع فعالیت‌های سیاسی در ضمن وجود پتانسیل‌هایی برای افزایش تعاملات، دارای محدودیت‌هایی نیز هست. این مسئله که سیاست‌های طراحی فضای عمومی تا چه میزان به ایده‌آل‌های جامعه مدنی نزدیک است، دیدگاه‌های طراحان و برنامه‌ریزان را در این مورد نشان می‌دهد.

فضای عمومی؛ به‌مثابه فضای سیاسی

فضای عمومی به‌طور همزمان فرصت‌هایی ارائه می‌دهد که شامل

قرن بیستم میلادی بیشتر بر بعد زیبایی تأکید داشت، در حالی که «مدل برنامه‌ریزی اجتماعی»^{۲۲} در تلاش برای به‌دست آوردن یک چارچوب جامع با هدف محافظت از سیستم‌های طبیعی در کنار بهبود زندگی اجتماعی ساکنین بوده است (Mackintosh, 2005). در بررسی چرایی شکل‌گیری حرفه طراحی منظر، «مسائل اجتماعی» یکی از مهم‌ترین عناوین است. در پایان قرن نوزدهم، این حرفه، پیرو تغییرات اقتصادی و اجتماعی، (انقلاب صنعتی موجب تغییر از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی) با هدف بهبود شرایط زندگی شهری پایه‌گذاری شد. آنچه در تاریخ منظر و طراحی پارک‌های شهری در اینجا مورد توجه است؛ مسائل اجتماعی است. چنانکه مدل‌های شکل‌گیری پارک در آمریکا به صورت نسلی بوده‌اند؛ هر نسلی از پارک‌ها مجموعه‌ای از ایده‌ها در مورد چگونگی کمک به شهر و جامعه را به نمایش می‌گذارند^{۲۳}. این وضعیت در ایران کمی متفاوت است، عمده طبیعت شهری در شهرهای ایران، باغ‌های تاریخی بوده‌اند که البته به‌نظر می‌رسد هدف از ایجاد آن اهداف اجتماعی

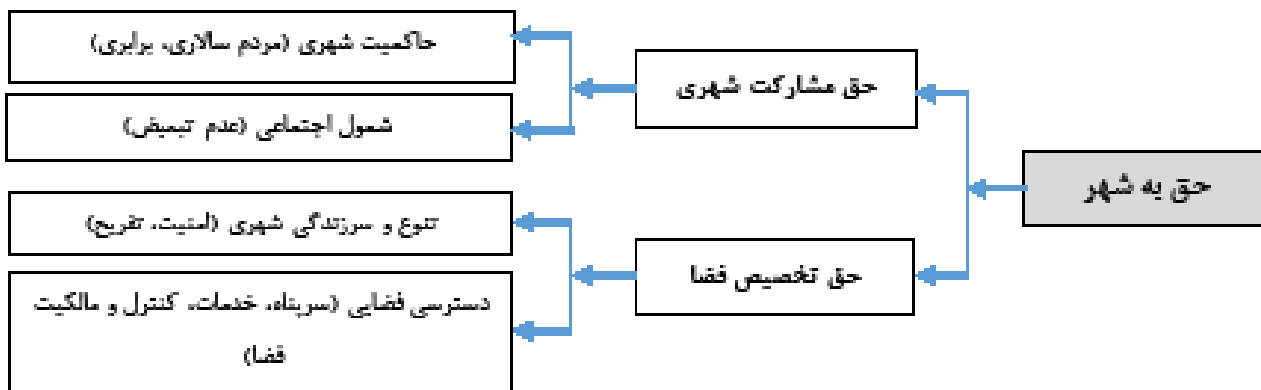
باشند. حق تملک یا تخصیص فضا نیز شامل حق دسترسی، تصرف و استفاده از فضا و تولید فضای جدید منطبق با نیازهای مردم است (Kofman & Lebas, 1996, 23). تصویر ۲ ابعاد مفهومی حق به شهر را نشان می‌دهد. هرچه میزان مشارکت، تملیک و تخصیص فضا توسط شهروندان در فضاهای عمومی بیشتر باشد، به مفهوم حق به شهر نزدیک‌تر شده‌ایم؛ و اگر این مفهوم توسط بدنه تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر شهری نادیده گرفته شود، تجربه نشان داده که به مرور زمان گروه‌هایی که از زندگی روزمره شهری و فضاهای آن کنار گذاشته شده‌اند به صور گوناگون شروع به تصرف فضا می‌کنند (Friedmann, 1995, 75).

جایگاه جامعه در فرایند طراحی و تولید منظر

در تاریخ معماری منظر، تعامل دیالکتیک بین سه اصل «زیبایی»، «طبیعت» و «منافع اجتماعی» دیده می‌شوند. هر کدام از این ابعاد، در برهه‌ای از تاریخ طراحی منظر، قدرت بیشتری نسبت به دیگری یافته است. به‌طور مثال «جنبش شهر زیبا»^{۲۱} در دهه اول

جدول ۱. فضای عمومی از دو دیدگاه فعالان اجتماعی و جامعه آکادمیک. مأخذ: Mitchell, 1995.

ارکان فضای عمومی	دیدگاه فعالان اجتماعی	دیدگاه جامعه آکادمیک
حوزه عملکردی	وقوع تعاملات آزاد عدم وجود ممنوعیت‌های عملکردی از طرف سازمان‌های دارای قدرت	فضای باز برای تفریح و سرگرمی کنترل‌شده و منظم؛ جایی که یک گروه با رفتار مناسب تجربه یک منظره زیبا از شهر داشته باشند.
گروه کاربران	فضایی بدون محدودیت که در آن جنبش‌های سیاسی بتوانند سازماندهی شده و به مناطق وسیع‌تری گسترش یابند. در ذات خود سیاسی است. شامل جنبش‌های سیاسی به عنوان عملکرد مرکزی است. ریسک «بی‌نظمی» را تحمل می‌کند.	فضای عمومی، برنامه‌ریزی شده و امن است. قابل استفاده برای گروهی مناسب از افراد که اجازه ورود به آن را دارند. کاربران فضا باید احساس آرامش داشته باشند و توسط فعالیت‌های ناخواسته سیاسی یا صحنه‌های ناخوشایند از افراد بی‌خانمان مورد آزار قرار نگیرند.
روند تولید	توسط فعالان سیاسی تسخیر و بازسازی شود.	یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی اجتماع؛ ایجاد منظرهایی که در آن هر تعاملی به‌طور دقیق برنامه‌ریزی شده باشد.



تصویر ۲. ابعاد مفهومی حق به شهر. مأخذ: نگارندگان.

عمل، دخالت‌های مردمی (آگاهی یا مشارکت) تا چه اندازه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل محیط زیست اجازه داده شود. از جمله جنبش‌هایی که تفکرات دموکراتیک سبز را به عرصه اجرا و عمل وارد کرده می‌توان به «کولوژی مدنی»^{۳۰} و «محیط زیست مدنی»^{۳۱} اشاره کرد. اقداماتی مبتنی بر فعالیت‌های اجتماعی، مشارکت اعضای جامعه، برای بهبود زیرساخت‌های سبز و اکوسیستم، رفاه انسان‌ها در شهر و منظرهای تحت تسلط انسان‌هاست. یکی از جنبه‌های انتقادی به این اقدامات، محدودبودن دامنه مشارکت توسط گروهی خاص از افراد است (Knopman, Susman & Landy, 1999) «مشارکت شهروندی» عنصر کلیدی، و «برنامه‌ریزی اجتماعی»^{۳۲} ابزاری برای تحقق مفاهیم این جنبش‌هاست.

تبیین مفهوم منظر مدنی

با توجه به مطالعه ایده‌ها و مفاهیمی که نسبت جامعه مدنی با فضا و منظر را بررسی کرده است، نکات کلیدی مفاهیم دسته‌بندی شده است، سپس برای پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر چرایی و چگونگی اضافه‌شدن بار مفهوم مدنیت به مفهوم منظر؛ با الهام از سه بعد جامعه مدنی (افکار عمومی، نهاد، جنبش) منظر مدنی به سه ویژگی قابل تطبیق با اصول مدنیت به ترتیب هدف، ساختار و مفهوم تقسیم شده است (تصویر ۳). با این نگاه اگر هدف از منظر مدنی، فعل مدنیت و ساختار، ساخت اجتماعی و معنا را دغدغه‌ها و ایده‌آل‌های مفهومی جامعه مدنی بدانیم، منظر مدنی به شرح زیر قابلیت تبیین دارد. ابعاد منظر مدنی در تصویر ۴ نمایش داده شده است.

• منظر مدنی به مثابه معنا

منظر مدنی به مثابه عدالت در فضاهای تولیدشده قابل بیان است، زیرا منظر دارای «فرم فضایی» است که «عدالت اجتماعی» به خود می‌گیرد (Mitchell, 2008, 17). منظر به عنوان بستری برای روابط اجتماعی و به عنوان مبنایی برای توسعه بیشتر این روابط، عیناً محدوده فضایی و محدوده عدالت اجتماعی را مشخص می‌کند. فرم فضایی منظر، محصول و فرایندی از نوع روابط اجتماعی است. درجه واقعی برابری فضایی، عدالت زیست‌محیطی، امکانات مثبت (نه مخرب) برای بروز تفاوت‌های فرهنگی و غیره، به سادگی در منظر وجود دارد. مطالعه منظر به عنوان ماهیتی که زندگی روزانه و عادی را منعکس می‌کند، حقیقت بحران‌های جهان، حقیقت زندگی روزانه، وقفه یا نابودی زندگی روزانه را نشان می‌دهد (Olwig, 2016, 253). آنچه مورد نیاز است مفهومی از منظر است که ما از آن با عنوان منظر مدنی یاد می‌کنیم. این مفهوم به هرگونه مداخله‌ای که بتواند عدالت اجتماعی بیشتری به وجود آورد اشاره دارد. منظر مدنی در بعد معنایی خود مفهومی از منظر است که به توسعه ایده عدالت اجتماعی کمک کند. «حق دسترسی، حق مشارکت در زندگی شهری و حق لذت بردن از فضای شهر»

و مردمی نبوده است (حیدرنتاج و منصور، ۱۳۸۸، ۲۰). طراحی و شکل‌گیری پارک‌ها در دوره قاجار به لحاظ ساختار ظاهری (نه محتوایی) تحت تأثیر غرب صورت می‌گیرد^{۳۴}. لذا تحلیل دلایل ساختاری پارک‌های اولیه در ایران کمی خارج از وضعیت اجتماعی-اقتصادی غالب در آن دوران بوده است.

در دوران معاصر در پاسخ به فرایند کاهش دسترسی به فضاهای سبز («محوشدن-تجربه»^{۳۵}) هدف از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای سبز درگیری اکوسیستم‌های طبیعی در جنبه‌های مختلف زندگی شهری و افزایش میزان مشارکت جامعه است (McDaniel & Alley, 2005). پارک‌ها به عنوان منبعی از ویژگی‌های کیفی (زیبایی‌شناسی) و کمی (افزایش سرانه فضای سبز) شناخته شده‌اند. با این حال دیدگاه جدیدی نسبت به فضاهای سبز شهری فراتر از ارزش‌های سنتی آن (مکان تفریح و منبع بصری) در حال ظهور است. این دیدگاه بر چگونگی رویکرد سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، و عموم مردم نسبت به فضاهای سبز به عنوان کمکی ارزشمند به اهداف سیاسی-اجتماعی همچون ایجاد فرصت‌های شغلی، سلامت عمومی و «ساخت اجتماعی»^{۳۶} فکر می‌کند. از جمله نمونه‌های پرکتیکال می‌توان به «باغ‌های اجتماعی با دسترسی عمومی»^{۳۷} اشاره کرد. در یک مفهوم جامع می‌توان از آن به عنوان تمثیلی از صورت‌های رشد پایدار شهری که از «سطوح پایین سرچشمه»^{۳۸} می‌گیرد و مشارکت فعال و تجربی شهروندان در آن نقش اصلی دارد، نام برد (Bendt, Barthel, Colding, 2013, 28). «باغ‌های اجتماعی» به فضاهای سبزی اطلاق می‌شود که دسترسی در تمام ساعات شبانه‌روز برای تمام افراد به آن امکان‌پذیر است؛ توسط گروه‌های مختلف در جامعه مدنی به‌طور جمعی مدیریت می‌شود و در آن موانع رسمی برای مشارکت فوری توسط عموم مردم صفر تا ناچیز است (Colding, 2011, 101).

بررسی جایگاه جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، طرح و اجرای پروژه‌های منظر در طیف وسیعی از حوزه‌های عملکردی (پارک‌های کوچک محله‌ای تا حفاظت‌های زیست‌محیطی) قابل بررسی است. عبارت «سیاست‌های سبز»^{۳۹} یک مفهوم کلی است که به عنوان چتری برای اقدامات دموکراتیک در مورد مسائل فضاهای سبز استفاده می‌شود. این ادعا وجود دارد که «اعمال دانش متخصصین در فرایند برنامه‌ریزی علوم زیست‌محیطی لازم است، اما شرط کافی برای تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی نیست» (O'Neill, 1993, 147). سیاست‌های سبز در ادعای خود بخشی از «پروژه دموکراتیک» است. تلاش برای دسترسی به اطلاعات و داده‌های علمی به‌علاوه ایجاد شیوه‌ها و فرم‌های بازتر از سیاست‌گذاری‌های عمومی مثال‌هایی از اقدام گروه‌های زیست‌محیطی است (Doherty, 1992). در واقع سیاست‌های زیست‌محیطی بر «فعالیت‌های مردمی» و «اصول سازمانی پایین به بالا» تأکید می‌کنند. مسئله بر سر این موضوع است که در

برنامه‌های زیست‌محیطی و ساختارهای فیزیکی منظر (جنبش‌های پایین به بالای مردمی) از جمله مؤثرترین ساختارهای اجتماعی در تولید منظر است (Jones & Stenseke, 2011).

منظر قدرت است؛ چه کسی دارای قدرت تعریف مفاهیم منضم به منظر و تعیین چگونگی ساختارهای فیزیکی منظر است؟ این قدرت از طریق راه‌های بی‌شمار و مکان‌های بی‌شمار قابل ارزیابی است. تصمیم‌گیری در مورد چيستی و چگونگی سرمایه‌گذاری، انتخاب طرح نهایی، تصویب طرح استفاده از زمین، اعطای مجوز، و ... همه اعمال قدرت هستند که در قالب منظر گنجانده می‌شوند و مفهوم ساختار منظر را تعریف می‌کنند. به پذیرش، مخالفت و مقاومت در برابر این اعمال قدرت از سوی افراد جامعه، اعمال اجتماعی گفته می‌شوند و درک آن به روان‌شناسی نمادها و زبان قدرت اجتماعی نیاز داشته و بدین‌صورت قدرت برتری گروه تعیین‌کننده را نشان می‌دهد. برای فهم منظر به عنوان قدرت، نیازمند توجه دقیق به فرایند روابط تولید هستیم که این روابط در منظر درونی شده (باطنی) است (Mitchell, 2008, 43-45).

• منظر مدنی به مثابه هدف

هدف از منظر مدنی ایجاد بستری برای مشارکت معنی‌دار تمام گروه‌های اجتماعی است؛ جستجوی تناوب و کیفیت اعمالی که منجر به افزایش اقدامات مدنی در فضاهای سبز شهری می‌شود و قرارهای غیررسمی که منجر به گفتگو و مشورت پیرامون مسائل محلی شده و قابلیت دریافت نتیجه را دارد (Egoz et al., 2018, 28).

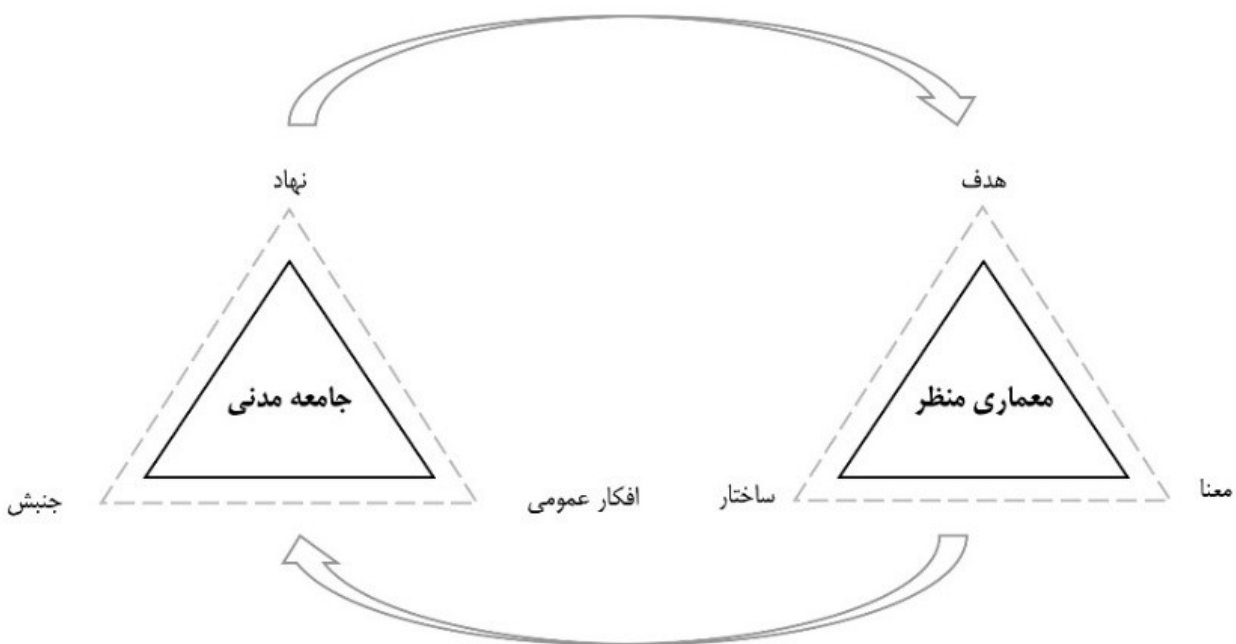
منظر مدنی کاربردی و عمل‌گراست. علاوه بر تأثیری که بر روابط تولید دارد، شرایط لازم برای تحقق ارزش را نیز ایجاد می‌کند. از لحاظ ایدئولوژیک، منظر وسیله‌ای است برای آنکه بگوید: «آنها

(Pugalis, 2009, 216) از جمله حقوقی است که در زیرمجموعه عدالت اجتماعی از آن یاد می‌شود.

منظر مدنی نمایش تاریخ؛ ریشه‌های مفهومی شکل‌گیری منظر را نشان می‌دهد. تاریخچه منظر متعلق به افرادی است که آن را ساخته‌اند. تاریخ روزمره (تصمیمات توسعه طولانی‌مدت، مبارزه‌های خاص بر اثر شرایط زندگی و غیره هزاران رویداد کوچک و بزرگ از زندگی روزانه) و رویدادهای غیر معمول (جنگ‌ها، بلایای طبیعی، نوآوری‌های تکنولوژیکی بزرگ و غیره) زمین و پتانسیل‌های آینده را شکل می‌دهند. شکل دومی از وقوع تاریخ نیز وجود دارد؛ منظر، ظرفی (منبعی) از خطرات در هر دو شکل فردی و جمعی است. این یک سایت از هویت و برای هویت است. در واقع محصولی از مبارزات برای معناست؛ معنایی که منضم به منظر است (Egoz, Jorgensen & Rugerri, 2018, 16). در ادامه توضیح داده می‌شود که منظر، به عنوان نمایشی تاریخی، کاملاً بیان‌کننده قدرت است.

• منظر مدنی به مثابه ساختار

منظر مدنی یک ساخت اجتماعی است. تولید منظر به مثابه یک عمل اجتماعی، مداخله فیزیکی در محیط پیرامون است که به‌طور فعالی صورت می‌گیرد. بنابراین منظر «شرح زندگی ما توسط خود ما به‌طور غیرعمدی و بی‌اطلاع» است. روابط تولید در دو جنبه وسیع (اجتماعی) و محدود (طراح) در همه‌جا در حال کشمکش است. متخصصین، جامعه محلی، سیاست‌گذاران؛ سه‌گانه فاعلی در تولید منظر هستند، و روابط تولید تحت تأثیر نیازهای اجتماعی، بستری که منظر در آن تولید می‌شود و قدرت تجاری‌سازی در حال تغییر است. بنابراین تحلیل تولید منظر، نیازمند تحلیل شبکه‌های تولید و روابطی است که آنها را پشتیبانی می‌کند. مشارکت داوطلبانه در



تصویر ۳. تطبیق ابعاد جامعه مدنی و منظر مدنی. مأخذ: نگارندگان.

شهروندی به عنوان فعالان کلیدی نام برده می‌شود.

۳۲. برنامه‌ریزی اجتماعی، فرایندی است که جامعه، مسائل و دارایی‌های خود را شناسایی کرده، تصمیم می‌گیرد که چه چیزی در آینده می‌خواهند و چگونه برای موفقیت آن عمل کنند.

فهرست منابع

- آقای، سیدداوود؛ صادقی، سیدسعید و هادی، داریوش. (۱۳۹۱). واگوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. *روابط خارجی*، ۴(۲) ۳۳-۷.
- حریری اکبری، محمد. (۱۳۸۰). دموکراسی و جامعه مدنی. *پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، (۲۹)، ۱۳۳-۱۴۸.
- حیدرنتاج، وحید و منصور، سیدامیر. (۱۳۸۸). نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی. *باغ نظر*، ۶(۱۲) ۱۷-۳۰.
- غفوری، محمد و جعفری، روح‌الله. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یکسویه. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۴(۱۲)، ۲۰۹-۲۳۴.
- قاضی مرادی، حسن. (۱۳۹۱). در فضیلت مدنیت: نگاهی به نامدنی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران. تهران: کتاب آمه.
- لازار، ژودیت. (۱۳۹۵). *افکار عمومی (ترجمه مرتضی کتبی)*. تهران: نشر نی.
- Bendt, P., Stephan, B. & Colding, J. (2013). Civic Greening and Environmental Learning in Public-Access Community Gardens in Berlin. *Landscape and Urban Planning*, 109(1), 18-30.
- Colding, J. (2011). *Creating Incentives for Increased Public Engagement in Ecosystem Management through Urban Commons. Adapting Institutions: Governance, Complexity and Social-Ecological Resilience*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cranz, G. (1982). *The Politics of Park Design: A History of Urban Parks in America*. Massachusetts: MIT Press.
- Cranz, G. & Boland, M. (2004). Defining the Sustainable Park: A Fifth Model for Urban Parks. *Landscape Journal*, 23(2), 102-120.
- Doherty, B. (1992). The Fundi-Realo Controversy: An Analysis of Four European Green Parties', *Environmental Politics. Journal of Environmental Politics*, 1(1), 95-120.
- Egoz, S., Makhzoumi, J. & Pungetti, G. (Eds.). (2011). *The Right to Landscape: Contesting Landscape and Human Rights*. Farnham, UK: Ashgate.
- Egoz, S., Jorgensen, K. & Ruggeri, D. (2018). *Defining Landscape Democracy: A Path to Spatial Justice*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Friedmann, J. (1995). The Right to the City. *Society and Nature*, 1(1), 71-84.
- Habermas, J. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry Into a Category of Bourgeois Society*. Cambridge: MIT Press.
- Hajer, M. (1993). Discourse Coalitions and the Institutionalization of Practice: The Case of Acid Rain in Great Britain. In F. Fischer & J. Forester (Eds.), *The Argumentative Turn in Policy Analysis and Planning*. London: Duke University Press, 43-67.

- Judith Lazar. ۲
- John Parkinson. ۳
- Don Mitchell. ۴
- Henry Lefebvre. ۵
- Galen Cranz. ۶
- The Pleasure Ground. ۷
- The Reform Park. ۸
- The Recreation Facility. ۹
- The open Space System. ۱۰
- Laura J. Lawson. ۱۱
- Liberal, Collective, Republican, Discursive approach. ۱۲
- Public Sphere & Public Space. ۱۳
- ۱۴. یک ساخته اجتماعی که توسط مجاری مختلف اجتماعی ابراز می‌شود، به موضوعی مرتبط است که برای همه اهمیت داشته باشد و شامل رفتارهایی است که از جانب عده زیادی از افراد به زبان آورده می‌شود. با نیت مشارکت توأم است و به حدی قدرت دارد که برای رسیدن احتمالی به مقصود مؤثر واقع شود (لازار، ۱۳۹۵، ۷۹-۸۰).
- ۱۵. تاریخ معاصر ایران متأثر از نهضت یا جنبش مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت و نهضت اسلام‌گرایی بوده است. هریک از این حرکات‌های فراگیر منجر به ظهور جریان‌های فکری و سیاسی مختلفی شده‌اند.
- Placeless movement. ۱۶
- Privatization of Public Space. ۱۷
- Truly Public Space. ۱۸
- Representational space. ۱۹
- Representations of space. ۲۰
- Beautiful city movement. ۲۱
- Community planning model (CPM). ۲۲
- ۲۳. «کال کزنز» در پژوهش خود مدل پارک‌های پایدار را پیشنهاد می‌دهد. او اشاره می‌کند که امروز مشکلات زیست‌محیطی در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگترین نگرانی‌های اجتماعی هستند. بنابراین گونه جدیدی از پارک‌های شهری با عنوان پارک‌های پایدار را معرفی می‌کند که از دهه ۱۹۹۰ شروع به شکل‌گیری کردند و بر راه‌حل‌های اجتماعی برای مشکلات زیست‌محیطی متمرکزند.
- ۲۴. در طرح‌های «بوهلر» برای گسترش تهران در دوره ناصری سه پارک به نام‌های پارک کنت دومونت فرنٹ، ظل‌السلطان و امین‌الدوله که هر سه براساس الگوی پارک‌های مدرن غربی و در تضاد ساختاری با الگوی پردیس‌سازی ایرانی طراحی و ایجاد شده‌اند (حیدرنتاج و منصور، ۱۳۸۸، ۲۸).
- Extinction-of-experience. ۲۵
- ۲۶. ساخت اجتماعی یک حوزه فعالیت است که در راستای ایجاد یا تقویت حس اجتماعی بین افراد در یک منطقه محلی (مانند همسایگی) با داشتن یک منفعت مشترک (هدف مشترک) ایجاد می‌شود. این مفهوم می‌تواند در زیرمجموعه توسعه اجتماعی قرار گیرد. طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها برای ساخت اجتماعی از رویدادهای ساده (مثل کلوپ‌های کوچک کتابخوانی) تا تلاش‌هایی با مقیاس بزرگ (همچون جشنواره‌ها و پروژه‌های ساختمانی که شرکت‌کنندگان محلی به‌جای پیمانکاران خارجی فعال هستند) را شامل می‌شود. «باغبانی اجتماعی» در زیرمجموعه فعالیت‌های «ساخت اجتماعی» قرار می‌گیرد.
- Public access community gardens. ۲۷
- Spring from below. ۲۸
- Green politics. ۲۹
- ۳۰. Civic ecology: حکومت توسط مردم است و بر مشارکت مستقیم اشاره می‌کند. اقدامات (اعمال) با درک فرایندهای طبیعی و روابط اجتماعی درون محلی و بستر زیست‌محیطی بزرگتر هدایت می‌شوند. از اصول طراحی به مرکزیت (مشارکت مدنی چهره به چهره)، همبستگی، عدالت (در حقوق مدنی)، جستجوی وضعیت ملموس، حرمت و در دسترس‌پذیری می‌توان اشاره کرد.
- ۳۱. Civic environmentalism: فرایندی از پاسخ‌های طراحی سنتی به مسائل زیست‌محیطی است. اقدامات محیط زیست مدنی نمی‌تواند بدون مشارکت و حمایت سازمان‌های دولتی موفق شود. اما این اساساً یک فرایند پایین به بالا است و بر دستاوردی از مشارکت مردم در مدیریت زیست‌محیطی مبتنی است. سه شکل از سیاست‌های زیست‌محیطی شامل رانسینوال، پوپولیستی و مدنی است که در دیدگاهشان به طبیعت، رویکرد حل مسئله، فعالیت‌های اولیه، نوع تغییرات و فعالان کلیدی باهم متفاوت هستند. در سیاست‌های مدنی، طبیعت به عنوان فرصتی برای مداخله، و رویکرد حل مسئله به عنوان گزینه‌ای مشورتی دیده می‌شود و از مشارکت

- Irazábal, C. (2008). *Ordinary Places/Extraordinary Events: Citizenship, Democracy and Public Space in Latin America*. London: Routledge.
- Jennings, B. (2001). From the Urban to the Civic: The Moral Possibilities of the City. *Journal of Urban Health*, 78(1), 88-103.
- Jones, M. & Stenseke, M. (2011). *The European Landscape Convention: Challenges of Participation*. Dordrecht: Springer.
- Jorgensen, A. (2016). Landscape Justice in an Anniversary Year. *Landscape Research*, 41(1), 1-6.
- Knopman, D., Susman, M. & Landy, M. (1999). Civic Environmentalism: Tackling Tough Land-Use Problems with Innovative Governance. *Environment Science and Policy for Sustainable Development*, 41(10), 24-32.
- Kofman, E. & Lebas, E. (1996). Lost in Transposition: Time, Space, and the City. In E. Kofman & E. Lebas (Eds.), *Writings on Cities*. Cambridge: Blackwell.
- Lawson, L. J. (2005). *City Bountiful: A Century of Community Gardening in America*. London: University of California Press, Ltd.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. Oxford: Basil Blackwell.
- Lynch, A. & Dietz, D. (1991). *Fewer Recruits for people's park wars*. San Francisco: Chronicle.
- Mackintosh, P. G. (2005). The Development of Higher Urban Life' and the Geographic Imagination: Beauty, Art, and Moral Environmentalism in Toronto, 1900-1920. *Journal of Historical Geography*, 31(4), 688-722.
- McDaniel, J. & Alley, K. D. (2005). Connecting Local Environmental Knowledge and Land Use Practices: A Human Ecosystem Approach to Urbanization in West Georgia. *Urban Ecosystems*, 8, 23-38.
- Mels, T. (2016). Landscape, Environmental Justice, and the Logic of Representation. *Landscape Research*, 41(4), 417-424.
- Miège, B. (2010). *L'espace Public Contemporain. Approche info-communicationnelle*. Grenoble: Presses Universitaires de Grenoble.
- Mitchell, D. (1995). The End of Public Space? People's Park, Definitions of the Public, and Democracy. *Annals of the Association of American Geographers*, 85(1), 108-133.
- Mitchell, D. (2003a). Cultural Landscapes: Just Landscapes or Landscapes of Justice? *Progress in Human Geography*, 27(6), 787-796.
- Mitchell, D. (2003b). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*. New York City: The Guilford Press.
- Mitchell, D. & Staeheli, L. A. (2006). Clean and Safe? Property Redevelopment, Public Space, and Homelessness in Downtown San Diego. In S. Low & N. Smith (Eds.), *Politics of public space*. London: Routledge.
- Mitchell, D. (2008). New Axioms for Reading the Landscape: Paying Attention to Political Economy and Social Justice. In J. L. Wescoat & D. M. Johnston (Eds.), *Political Economies of Landscape Change*. Dordrecht: Springer.
- Olwig, K. R. (2005). Representation and Alienation in the Political Land-Scape. *Cultural Geographies*, 12(1), 19-40.
- Olwig, K. R. (2016). Virtual Enclosure, Ecosystem Services, Landscape's Character and the 'Rewilding' of the Commons: The 'Lake District' Case. *Landscape Research*, 41(2), 253-264.
- O'Neill, J. (1993). *Ecology, Policy and Politics: Human Well-Being and the Natural World*. London: Routledge.
- Parkinson, J. (2012). *Democracy and Public Space: The Physical Sites of Democratic Performance*. Oxford: Oxford University Press.
- Pugalís, L. (2009). Cultural and Economic Vitality -The Role of Place Quality. *Town & Country Planning*, 78(6), 281-286.
- Vander Ploeg, M. (2006). *Rethinking Urban Public Space in the Context of Democracy and Altruism*. Calvin: Center for social research.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

عرب سلغار، ندا و ایمانی، نادیه. (۱۳۹۹). تبیین چارچوب مفهومی منظر مدنی. *باغ نظر*، ۱۷(۸۸)، ۵۱-۶۰.

DOI: 10.22034/BAGH.2020.198639.4267

URL: http://www.bagh-sj.com/article_113206.html

